

## آبرومندی در دنیا و آخرت در پرتو ارتباط با امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صمدی یزدی\*

### اشاره

حفظ آبرو و کرامت انسانی از دیدگاه آموزه‌های وحیانی، از اساسی‌ترین اصول در تأمین امنیت فردی و اجتماعی است؛ همان‌گونه که در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ: مَا آدَمِيَّ زَادَكُنَّ رَأْسًا وَنَحْنُ أَكْبَرُ»<sup>۱</sup> به همین دلیل تأمین امنیت اخلاقی و شخصیت افراد جامعه در جایگاه یک اولویت در دستور کار قرار دارد و در قالب آموزه‌های علمی و دستوری، شامل بایدها و نبایدهای شرعی و اخلاقی، به آن توجه شده است. بسیاری از احکام مانند حرمت غیبت، تهمت، افتراء، دشنام و ناسزا در راستای حمایت از آبرو، شرافت و کرامت انسانی وضع شده‌اند. این نوشتار به مسئله آبرومندی در دنیا و آخرت بر اساس ارتباط با امام حسین علیه السلام می‌پردازد.

### زیارت عاشورا و حفظ آبرو

زیارت عاشورا یکی از معتبرترین زیارت‌هاست؛ زیارت‌نامه‌ای که صحیفه‌ای است مختصر، اما کامل از دیدگاه اسلام‌شناسی، معرفت‌شناسی، امام‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی. این زیارت‌نامه در کتب مختلف گزارش شده است؛ ابن قولویه در کامل الزیارات،<sup>۲</sup> شیخ طوسی در مصباح‌المتجهّد<sup>۳</sup> و دیگران آن را نقل کرده‌اند. این زیارت که در حقیقت حدیث قدسی است،<sup>۴</sup> دارای آثار و برکات دنیوی و اخروی است.

\* مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. اسرا: ۷۰؛ ر.ک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۶۱.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتجهّد و سلاح‌المتعبّد، ج ۲، ص ۷۷۳.

۴. همان.

زیارت عاشورا دارای بخش‌های مختلفی است؛ یک بخش آن سلام و درود بر امام حسین (علیه السلام) و اصحاب و یاران آن حضرت است؛ بخش دیگر لعن و نفرین بر قاتلان، ستمگران و پدیدآورندگان حادثه عاشورا است؛ بخشی از آن تَوَلَّاهُ و بخش دیگر تَبَرَّاهُ است. بخش قابل توجهی از زیارت عاشورا نیز مانند بسیاری از زیارت‌های دیگر، دعا است؛ یعنی خواسته‌ها و عرض حاجتی که در لابلای این زیارت از خداوند درخواست می‌شود. از آنجاکه زائر با قرائت زیارت حالت قدسی و معنوی پیدا می‌کند و تقرب به خدا برایش حاصل می‌شود، دعایش هم به اجابت می‌رسد؛ بنابراین دعا بخش قابل توجهی از زیارت‌هاست. یکی از خواسته‌های مهمی که در زیارت عاشورا از خداوند درخواست می‌شود، آبرومندی در دنیا و آخرت است؛ از این‌رو زائر حین زیارت به خداوند عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عَنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: بارخدایا مرا به خاطر امام حسین (علیه السلام) در دنیا و آخرت آبرومند نزد خودت قرار ده». «وجیها بالحسین» را دو گونه می‌توان معنا کرد:

۱. «باء» در «بالحسین» را «باء» قسم در نظر بگیریم که معنای جمله چنین می‌شود: «خدایا به حق امام حسین (علیه السلام) مرا در دنیا و آخرت آبرومند قرار ده».
  ۲. «باء» را سببیه در نظر بگیریم که معنای جمله چنین می‌شود: «خدایا به خاطر امام حسین (علیه السلام) و به سبب ارتباط من با امام حسین (علیه السلام) مرا در دنیا و آخرت آبرومند قرار ده».
- بر اساس این فراز از زیارت عاشورا، آبرومندی در دنیا و آخرت و حفظ آبروی دیگران و نیز آثار و عواقب پرده‌داری و هتک حرمت افراد را در قرآن و روایات پی می‌گیریم.

### قرآن کریم و آبرومندی در دنیا و آخرت

برخی آیات درخواست آبرومندی در دنیا و آخرت را از اوصاف برخی پیامبران اولوالعزم دانسته است؛ چنان‌که خداوند درباره عیسی مسیح (علیه السلام) می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ»<sup>۱</sup> به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای [وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح و عیسی پسر مریم است؛ درحالی‌که در این جهان و جهانی دیگر صاحب شخصیت و آبروست و از مقربان الهی است». همچنین خداوند

۱. آل عمران: ۴۵؛ رک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۷؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۱.

درباره حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَأَ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند و خداوند او را از آنچه در حق او می گفتند، مبرا کرد و او نزد خداوند آبرومند [و گران قدر] بود».

وجاهت و آبرومندی از اوصاف اهل بیت علیهم السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چنان که در یکی از زیارت های امام رضا علیه السلام می خوانیم: «فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَقَرْتِي وَفَاقَتِي فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا وَأَنْتَ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۲</sup> ای علی بن موسی الرضا، تو روز فقر و ناداری من شفیع من نزد خدایت باش؛ زیرا تو دارای مقام پسندیده ای نزد خداوند هستی و همچنین در دنیا و آخرت آبرومند می باشی». همچنین در دعای توسل، خطاب به همه چهارده معصوم می گوئیم: «یا وجیها عندالله اشفع لنا عندالله: ای آبرومند نزد خدا، شفاعت مرا کن نزد خدا».

### جایگاه حفظ احترام و آبروی مؤمن در روایات

در روایات معصومان علیهم السلام احترام و آبروی مؤمن بیش از حرمت خانه کعبه دانسته شده است.<sup>۳</sup> رسول اعظم صلی الله علیه و آله رو به کعبه فرمود: «مرحبا به تو ای خانه، چقدر با عظمتی و چقدر احترام داری. به خدا سوگند، حرمت مؤمن نزد خدا از حرمت تو بیشتر است».<sup>۴</sup> بر این اساس در روایات جان و مال و عرض مؤمن خطوط قرمز است که نمی توان از آنها تجاوز کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ»<sup>۵</sup> یعنی تمام حیثیت مسلمان بر مسلمان دیگر محترم و تعرض به آن حرام است؛ اعم از خون، مال، عرض و آبرویش. گرچه در روایت پیامبر صلی الله علیه و آله آبرو در کنار مال و جان قرار گرفته است، بررسی روایات و احکام اسلامی نشان می دهد که آبرو و عرض از مال و جان هم ارزش و اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مال با تمام ارزشی که دارد، اگر آبرو در خطر قرار گرفت، باید مال فدای آبرو شود. امام حسین علیه السلام فرمود: «خَيْرُ الْمَالِ مَا وَقِيَ الْعِرْضُ»<sup>۶</sup> بهترین مال، مالی است که آبرو با آن حفظ شود». علی علیه السلام نیز می فرماید:

۱. احزاب: ۶۹؛ رک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸۲.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۱۲.

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۶۲.

۴. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۳.

۵. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۵.

۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

«أَفْضَلُ الْفِعَالِ صَيَانَةُ الْعُرْضِ بِالْمَالِ: <sup>۱</sup> بهترین کار حفظ آبرو به وسیله مال است».

### ارزش آبرو در مقایسه با ارزش جان

از روایات و سخنان معصومان علیهم‌السلام استفاده می‌شود که آبرو از جان نیز باارزش‌تر است و در صورت لزوم باید جان داد و از آبرو نگذشت. امام حسین علیه‌السلام فرمود: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ: <sup>۲</sup> مرگ همراه با عزت بهتر است از زندگی همراه با ذلت و بی‌آبرویی».

در روز عاشورا نیز فرمود:

الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَ الْعَارُ خَيْرٌ مِنْ دُخُولِ النَّارِ <sup>۳</sup>

مرگ از بی‌آبرویی و ننگ و عار بهتر است و ننگ و عار از گرفتار آتش شدن سزاوارتر است. در قضای الهی و اسلامی نیز چنین است که دو شاهد عادل بر اثبات قتل کافی است؛ اما برای عمل منافی عفت و زنا چهار شاهد لازم است؛ چون در نسبت زنا، حیثیت و آبرو مطرح است. اگر در فرهنگ قرآنی و حدیثی گناه غیبت نابخشودنی و به منزله خوردن گوشت مرده برادر معرفی شده است، به این دلیل است که غیبت، ریختن آبروی فرد و ترور شخصیت است و ترور شخصیت از ترور شخص گناهش بیشتر است؛ زیرا ترور شخص او را بالا می‌برد و بزرگ می‌کند، اما ترور شخصیت وی را زمین می‌زند. در این راستا امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَقَوْضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ: <sup>۴</sup> خداوند همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده است، اما به او اختیار نداده است که خود را ذلیل و بی‌آبرو نماید».

### حفظ آبروی دیگران

انسان نه تنها نباید آبروی دیگران را مورد هجمه قرار دهد، بلکه باید کوشش در حفظ آبروی افراد داشته باشد. ابی‌الدرداء می‌گوید شخصی در پیش رسول خدا به آبروی فردی تعرض کرد؛ ولی شخص دیگری آن سخن و نسبت ناروا را رد کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ: <sup>۵</sup> هر کسی از آبروی برادرش دفاع کند، پوششی برای او در مقابل آتش

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۳. همان.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۳.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۵۳.

خواهد بود». امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةً يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۱</sup> کسی که عیبی بر مؤمنی بپوشاند که آن را مخفی کرده است، خداوند هفتاد عیب دنیایی و آخرتی او را می پوشاند».

امام خمینی رحمته الله می فرماید: «شما آقایان توجه داشته باشید که همه در محضر خدا هستید و انسان همواره باید این گونه تلقی کند که خدا ناظر اعمال و رفتار اوست. در جمهوری اسلامی غیر از گروهک هایی که می خواهند به اسلام و مسلمین ضرر و زیان بزنند، نباید دنبال عیب دیگران رفت. باید آبروی مردم را حفظ کنید».<sup>۲</sup>

### امام علی علیه السلام و حفظ آبرو

علی علیه السلام مقدار پنج وَسَق (حدود پنج بار) خرما برای مردی فرستاد. آن مرد شخصی آبرومند بود و از کسی تقاضای کمک نمی کرد. شخصی که در آنجا بود، به علی علیه السلام گفت: آن مرد که تقاضای کمک نکرد، چرا برای او خرما فرستادی؟ همچنین یک وَسَق برای او کافی بود. حضرت به او فرمود: «خداوند امثالِ تو را در جامعه ما زیاد نکند؛ من می دهم، تو بخل می ورزی. اگر من آنچه را مورد حاجت اوست، پس از سؤال او به او بدهم، چیزی به او نداده ام، بلکه قیمتِ آبرویی را که به من داده، به او داده ام؛ زیرا اگر صبر کنم تا او سؤال کند، درحقیقت او را وادار کرده ام که آبرویش را به من بدهد، آن رویی را که در هنگام عبادت و پرستشِ خدایِ خود و خدایِ من، به خاک می سایید».<sup>۳</sup>

### آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آبروداری

در احوالات حاج سید ابوالحسن اصفهانی نقل شده است که به شخصی وکالت مالی داده بود؛ بعد از مدتی شکایاتی از طرف اشخاص و عالمان علیه آن شخص نزد ایشان آمد مبنی بر اینکه این شخص رعایت جوانب کار نمی کند و اموال بیت المال را کم و زیاد می کند و از ایشان خواستند این شخص را از وکالت عزل کنند، اما ایشان اقدام نمی کرد. وقتی علت را پرسیدند، فرمود: این شخص قبل از اینکه وکیل من شود، مقداری آبرو از خودش داشت که با وکالت من

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. سید روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

3. <https://www.jamejamdaily.ir/newspaper/item/65696>.

آبرویش بیشتر شد؛ من اکنون باید با ظرافت و تدبیری او را عزل کنم که آبروی قبلی خودش برایش باقی بماند.

### آثار بردن آبروی دیگران

آبروریختن نه تنها به فرد آبرورفته آسیب می‌زند، بلکه عیب‌جو (کسی که به آبروی دیگران تعرض می‌کند) نیز پیامدهای جدی را تجربه خواهد کرد. این پیامدها می‌توانند در ابعاد روانی، اجتماعی و اخلاقی بروز کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انْتَمَاتَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ»<sup>۱</sup> هرگاه مؤمنی به برادر [ایمانی] خود تهمت بزند، ایمان در قلب او از بین می‌رود، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود». همچنین فردی که به آبروی دیگران لطمه می‌زند، ممکن است به مرور زمان با عذاب وجدان روبرو شود. احساس گناه و پشیمانی از عمل ناشایست می‌تواند به اضطراب و افسردگی منجر شود، ضمن اینکه عیب‌جو ممکن است به دلیل رفتارهایش از سوی دیگران طرد شود و آبروی خودش بریزد. ابی‌برزه می‌گوید روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را که اقامه کرد، به سرعت به طرف در مسجد رفت، دست خویش را بر چارچوب در گذاشت و با صدای بلند فرمود: «يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهَ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهَ عَوْرَتَهُ فَضَحَّهٗ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ»<sup>۲</sup> ای گروهی که با زبان ایمان را اظهار می‌کنید، ولی ایمان خالص در قلب ندارید، دنبال ریختن آبروی مؤمنان نباشید؛ زیرا هر کسی در پی بردن آبروی مؤمنان باشد، خداوند در پی ریختن آبروی وی خواهد شد و کسی که خدا بخواد آبرویش را بریزد، او را رسوا سازد؛ گرچه درون خانه‌اش باشد».

از منظر دینی، ریختن آبرو گناهی بزرگ شناخته می‌شود و عیب‌جو ممکن است در قیامت با پیامدهای جدی مواجه شود؛ از جمله پاسخ‌گویی به صاحب حق و تحمل عواقب گناهان خود. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَهَدَمَ مَرْوَةَ لَيْسَ قُطْ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»<sup>۳</sup> کسی که مطلبی را علیه مؤمنی نقل کند و هدفش بردن آبروی وی و شکستن شخصیت او باشد تا او را از چشم مردم

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. همان، ص ۳۵۸.

بیندازد، خداوند او را از ولایت خویش به سوی ولایت شیطان خارج می‌کند و شیطان نیز او را قبول نمی‌کند».

### گام‌های عملی برای جبران آبرو

با توجه به اینکه در روایات آبروی مؤمن در کنار مال و جان او قرار گرفته است،<sup>۱</sup> ضایع کردن آبروی مؤمن جنبه حق الناس دارد؛<sup>۲</sup> بنابراین اگر حق الناس از قبیل ریختن آبرو باشد، باید کسی که آبرویش رفته را راضی کرد؛ ولی اگر طلب رضایت موجب فساد و کینه شود، باید از خدا آمرزش طلبید و برای صاحب حق کارهای خیری انجام داد (مثلاً از طرف وی صدقه داده یا به زیارت رود) تا در قیامت مورد بازخواست صاحب حق قرار نگیرد.<sup>۳</sup> بر پایه روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در روز قیامت از حسنات کسی که حق مردم برگردن اوست، به صاحب حق داده می‌شود و اگر حسناتش تمام شد، گناهان صاحب حق را به پای او می‌نویسند؛ سپس او را وارد آتش می‌کنند.<sup>۴</sup> بر این اساس باید کوشید تا گام‌هایی برای جبران آبروی مسلمان برداشت.

### امام حسین علیه السلام و حفظ آبروی افراد

روایت شده است که شخصی از انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد و تصمیم داشت اظهار نیاز کند. حضرت فرمود: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَلَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ...»<sup>۵</sup> ای برادر انصاری، آبروی خودت را حفظ کن و درخواستی نکن، بلکه نیازت را در ورقه‌ای بنویس. من ان شاء الله چیزی به تو خواهم داد که تو را خوشنود سازد». 

حدیث عشق تو دیوانه کرده عالم را	به خون نشانده دل دودمان آدم را
غم تو موهبت کبریاست در دل من	نمی‌دهم به سرور بهشت این غم را
غبار ماتم تو آبرو به من بخشید	به عالمی ندهم این غبار ماتم را
اگر بناست دمی بی تو بگذرد عمرم	هزار بار بمیرم و نبینم این دم را
محبت تو رشته نجات است مرا	نمی‌دهم ز کف این ریسمان محکم را

۱. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۱۹۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۲۱.

۳. محمدعلی موسوی جزایری، دروس اخلاق اسلامی، ص ۲۵۶.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶.

۵. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۷.

به یمن گریه برای تو روز محشر  
خموش می‌کنم از اشک خود جهنم را  
به نیم قطره اشک محبت ندهم  
اگر به دستم دهند تمام عالم را  
روا نبود که امت به سر بریدن تو  
دهند اجر رسالت رسول خاتم را

### کتاب‌نامه

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح: جلال‌الدین محدث، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ق.
۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ش.
۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چ ۲، نجف اشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ش.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبائی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چ ۱، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، چ ۱، قم: مکتبه فقهیه، ۱۴۱۰ ق.